تفرقه‌افکنی و سیاه‌نمایی تنها هنر جریان‌های اشرافی

نماینده مردم خوزستان در مجلس خبرگان رهبری ضمن تبیین اینکه اشراف، نمی‌توانند مدعی پایبندی به انقلاب باشند، گفت: «بزرگ‌ترین ضربه به نظام توسط جریان‌هایی زده شده که مشی اشرافی‌گری پیشه کرده و استکبار جهانی را به مثابه کدخدا قلمداد می‌کردند». آیت‌الله کعبی در گفت‌وگو با رسانه‌ها با بیان اینکه عملکرد نامطلوب برخی جریان‌های سیاسی سبب وضعیت بد اقتصادی کشور شده است، گفت: «امروز مسببان وضع موجود مدعی نارضایتی در بین مردم هستند».

وی تصریح کرد: «جریان‌های اشرافی که از اعتماد امام خمینی(ره) و رأی مردم و خون شهدا سوء استفاده کردند، متأسفانه در جهت فعالیت‌های حزبی و جناحی رویکرد مخالفت با راه امام راحل و شهدا را طی می‌کنند و به‌جای روشنگری، سیاه‌نمایی انجام می‌دهند». وی با بیان اینکه تحول ایجاد شده در چرخه مدیریت کشور به‌نفع مردم کشور است، ابراز کرد: «در دولت سیزدهم جوانان مؤمن انقلابی، متعهد و متخصص امور کشور را بر عهده گرفته‌اند، اما جریان‌های سیاسی مشکوک در ادامه التقاطی‌گری‌هایشان بیانیه‌ای صادر می‌کنند و نشان می‌دهند از آرمان‌های انقلاب فاصله بسیاری گرفته‌اند».

خبر روز

نه به اسلام سکولار

اسلام سکولار شبیه مسیحیت سکولار است که می‌رود در گوشه کلیسا، خودش را زندانی می‌کند و در محیط واقعی زندگی هیچ حضوری ندارد. کسانی هستند امروز دعوت می‌کنند به اسلام منزوی؛ اسلامی که هیچ‌کاری به‌کار زندگی مردم ندارد؛ مردم را به یک عبادتی، به یک چیزی گوشه مسجد یا گوشه خانه‌ها فرامی‌خواند. اسلام واردِ در متن زندگیَ را مَعرفی کنیم... اسلام جهاد و مبارزه با مستَکبران. به نظر من این یک وظیفه‌ای است که به‌عهده همه است.

رهبر انقلاب / ۲۱اسفند۱۳۹۳

گفت‌وگوی ویژه قدس

میلاد دخانچی
دکترای مطالعات فرهنگی

حسین محمدی اصل | شاید مهم‌ترین آفت برای هر نهضتی پس از آنکه به قدرت مستقر تبدیل می‌شود، جایگزین شدن روحیات سازمانی در طبقه اندیشمند جامعه باشد. خنثی‌شدن یا به‌تعبیری سکولار شدن نهادهای تأثیرگذار در جامعه یکی از دغدغه‌های همیشگی رهبر انقلاب نیز بوده است. هشدارهای ایشان به حوزه و دیگر نهادهای انقلابی از جمله سرفصل‌های مشبع و گسترده در اندیشه ایشان است. از طرفی همزمان با پیش‌آمدن در تاریخ انقلاب اسلامی جریان‌های فکری دینی به‌سمت علوم انسانی‌زدایی از حوزه دین و برعکس جریان فکری دانشگاهی میل به زدودن تفکر دینی از آرا و اندیشه، به‌خصوص در علوم اجتماعی پیدا کرده است. به‌سراغ میلاد دخانچی رفته‌ایم تا ذیل این بحث بتوانیم آسیب‌شناسی از وضع موجود داشته باشیم. دخانچی دکترای مطالعات فرهنگی دارد و معتقد است: «زوال علوم انسانی، اصالت علوم انسانی و مهندسی و مسائلی از این دست در مجموع نخبگانی را پرورش می‌دهد که مسائل اجتماعی نداشته و در بهترین حالت مسئله علمی دارند به‌همراه یک دین شخصی».

قدس در گفت‌وگو با میلاد دخانچی
ضرورت بازگشت نخبگان به شرایط انقلابی را بررسی می‌کند

انقلاب اسلامی و برون‌رفت از وضعیت خنثی

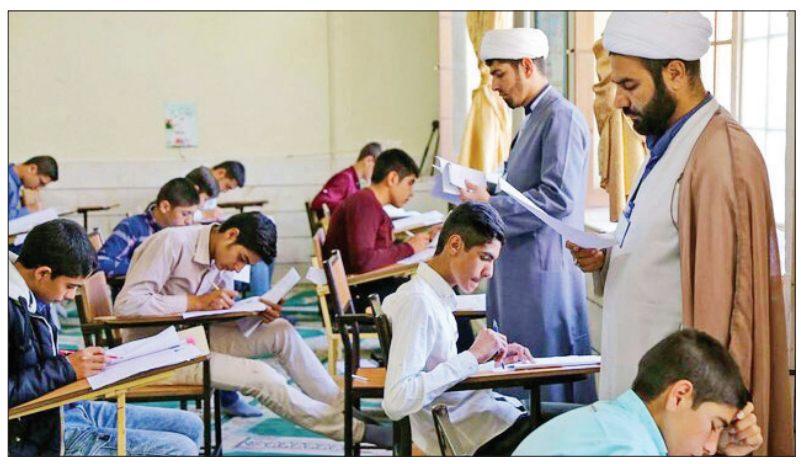

■ **رابطه هر انقلابی با نخبگان جامعه در ابتدا رابطه‌ای نسبتاً مستقیم است. به‌این معنا که عموماً نخبگان جامعه هستند که توده مردم را می‌آورند پای کار تغییر نظام. اما این رابطه در ادامه انقلاب‌ها دچار تغییراتی می‌شود. در انقلاب اسلامی آیا می‌توانیم قائل به تأثیرگذاری انقلاب بر این طبقه اجتماعی در ادامه حیات انقلاب باشیم؟**

زمانی که انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، نهضت انقلاب تبدیل به نهاد حاکمیتی شد و از وضعیت انقلابی به وضعیت نهادی تغییر جهت داد. با نهادی‌شدن انقلاب اسلامی دیگر نمی‌توان بر مفهوم جریان انقلاب اسلامی تکیه کرد. در واقع در چنین وضعیتی ما با موضوع نهادهایی روبه‌رو هستیم که برای بقای خودشان تلاش می‌کنند و می‌خواهند خودشان را حفظ و ساماندهی کنند. اینجا درست است از مفاهیم انقلابی و از مفاهیم دوره نهضت کمک گرفته می‌شود، اما در حقیقت شاهد آن هستیم که مفاهیم نهضت‌ها، از پیش برای نهادها مصادره شده است.

■ **امروز مسئله ما این است که نهاد پساانقلابی چقدر توانسته در راستای ایجاد یک «سوژه» نخبه مذهبی که با جهان مدرن هم آشناست موفق باشد؟**

در پاسخ به این پرسش، جواب من این است که اساساً نهادهای تأسیس شده آنگاه که شکل می‌گیرند، باوجود اینکه خودشان برآمده از حرکت نهضت هستند، شکل‌گیری هرگونه نهضت در درون خودشان را بر نمی‌تابند و مادامی که این نهضت‌ها کاملاً همسوی آن‌ها نباشند اقدام به سرکوبشان می‌کنند. این حاکی از ذات و تمایلات سیستم نهادهاست.

نهادها در ناخودآگاه خود معتقدند چون روزی نهضت بوده‌اند و اکنون نهاد هستند، پس هر نهضت دیگری ممکن است نهاد بشود و جای آن‌ها را بگیرد. پس اقدام به سرکوب آن‌ها می‌کند و اجازه پویایی به آن‌ها نمی‌دهد. مگر اینکه از پیش نسبت به مصادره آن‌ها اطمینان حاصل کرده باشند. به‌عنوان‌مثال، جریان عدالت‌خواهی در دهه ۷۰ و ۸۰ به مقابله با تفکر هاشمی رفسنجانی برخاست. در آن زمان حرکت عدالت‌خواهی به‌نفع بخشی از نهادها بود، به همین دلیل اجازه جولان دادن داشت، اما به محض اینکه جریان عدالت‌خواهی گفت مسئله من سازوکار حکمرانی و اصلاحات ساختار مدیریتی است، از چرخه خارج و طرد شد.

■ **نهادهای فرادستی چرا به این مقوله ورود نمی‌کنند؟ به‌عنوان مثال حوزه که خودش را فراتر از جریان‌های سیاسی تعریف می‌کند، چرا از این نحو فعالیت‌ها کناره گرفته است؟**

به‌این دلیل که نهادهای اسلامی هنوز نتوانسته‌اند با سازوکار علوم انسانی رابطه برقرار کنند و علوم انسانی رابدیلی بر علوم الهی می‌پندارند، گفته می‌شود علوم انسانی علوم سکولار است. این گفته آن‌ها به این اعتبار است که علوم انسانی هرگز واجد پاسخی به نیازهای انسانی بومی نبوده و در نتیجه به طرف سرمایه‌گذاری بر علوم تجربی و علوم مهندسی سوق داده شده است. بنابراین در این نگاه زمانی که از علم سخن به‌میان می‌آید، منظوری که در گفتمان رسمی ارائه می‌شود آن را علوم تجربی و علوم پزشکی و علوم مهندسی و علوم نانو می‌پندارد. مواردی که گفته شد از علوم تکنیکال و فنی هستند، یعنی دانشجوهای این حوزه، اساساً شخصیت‌های فردگرایی هستند که در آزمایشگاه کارهای پیچیده ساینتیفیک انجام می‌دهند و جهان آن‌ها جنبه صرفاً تکنیکالی دارد و در پس ذهن آن‌ها خبری از کنشگری اجتماعی و اقدامات این شکلی نیست. نفس این موضوع هم مزید بر علت شده است و در این تعریف که از دین ارائه می‌شود، یک دین شخصی غیراجتماعی با مصادیق عملی مانند هیئت و جلسه اخلاق کفایت می‌کند. این وضعیت دقیقاً متضاد همان چیزی است که مدنظر انقلاب اسلامی و آرمان‌های انقلاب بود.

■ **چرا پس از مدتی برخی عناصر انقلاب به فکر بازنشسته کردن انقلاب می‌افتند؟**

نهادها همواره می‌خواهند نهضت‌ها را مصادره و آن‌ها را در درون خود مضمحل کنند. زیرا مادامی که انقلابی در اختیار نهادها باشد، طبعاً اعمال نهضتی آن‌ها تحت اراده نهادها متوقف و یا مدیریت خواهد شد. مسئله اینجاست که آیا نهاد می‌تواند در آرایش هوشمندانه و منظم عقلانی به نفع بقای خودش اجازه بدهد توسط نهضت‌ها به چالش کشیده شود! در شرایط فعلی هم نهادها باید به‌سمت استقبال از نهضت‌های مرتبط با خود بروند. این تصمیم بستگی به هوشمندی و درایت طراحان پروسه تحول آفرینی در درون نهادها دارد.

■ **به‌این ترتیب در بهترین حالت نهادها خواستار گروه‌هایی هستند که خنثی باشند. اما این با آرمان‌های انقلاب کاملاً متضاد است. راه برون‌رفت از این شرایط خنثی را چه می‌دانید؟**

ابتدا، اینکه علوم انسانی را بدیل علوم الهی ندانیم؛ زیرا در حقیقت علوم انسانی مکمل علوم الهی است و این عقل بشری است که بر علوم الهی نور می‌افکند. به‌همین خاطر انسان با عقل خودش چیزی جز عقل فعال را کشف نمی‌کند و عقل فعال اگر وحی باشد، عقل انسان با تفکر و خودبنیادی جز کشفی از عقل فعال کار دیگری را انجام نمی‌دهد، پس قطعاً علوم انسانی می‌تواند به مثابه وسیله روشنگری کلام وحی عمل کند.

متأسفانه برخی جریان‌های حوزه و دانشگاه همواره تأکید دارند که علوم انسانی همان علوم غربی است، در حالی که اگر علوم انسانی را نداشته باشید نمی‌توانید کتاب‌های دینی و الهی مقدس مانند قرآن را فهم کنید. دوم اینکه نهادها نباید با نهضت‌ها و کنش‌های اجتماعی صرفاً به این دلیل که همسو با مقاصد آن‌ها نیستند برخورد کنند. نهادها باید ظرف تحملشان را وسعت ببخشند و ضمن یک حرکت مولکولی برای تغییر و تحول نهادها نوعی پویایی در نحوه زندگی را رقم بزنند. مثلاً گروهی می‌خواهند در مورد نحله‌های فکری خاصی در جایی صحبت کنند اجازه شکل‌گیری گفت‌وگو را به آن‌ها بدهیم. اگر این کنش‌ها در قالب گفت‌وگو شکل نگیرد، ممکن است در فضای مجازی به‌شکل غیرعقلانی مطرح شود و انحرافاتی از آن منبعث شود که در کف جامعه تبعات منفی‌تری به بار بیاورد. نکته آخر اینکه باید مقوله علم را جهان‌شمول‌تر بفهمیم و توجه‌مان را روی وجوه عملی آن نیز متمرکز کنیم؛ زیرا در علوم ساینتیفیک خیلی نظری‌تر کار کرده‌ایم.

آگهی مناقصه - نوبت اول

آگهی تجدید نوبت اول، مزایده شماره ۴/۰۰-۱۴

آگهی مناقصه - نوبت اول

آگهی نوبت دوم مزایده عمومی

آگهی نوبت دوم مناقصه عمومی

اداره کل راه و شهرسازی خراسان رضوی آگهی فراخوان عمومی

اداره کل نوسازی مدارس خراسان رضوی در نظر دارد

فراخوان مناقصه عمومی
یک مرحله‌ای